

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۵/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۰۲

(صفحه ۲۲۹-۲۴۳)

شاهنامه خواجه‌پیری

دکتر محمدرضا نصیری*

چکیده

مرکز میکروفیلم نور مستقر در دهلی - هند به ریاست دکتر خواجه‌پیری، علاوه بر فعالیت در زمینه گردآوری نسخه‌های خطی و اسناد و مدارک تاریخی، در ترمیم و احیای نسخه‌های پوسیده شده، به روش سنتی، صاحب تجربه است. خارج از این فعالیت‌ها، نگارش قرآن کریم، صحیفه سجادیه، شجره‌نامه‌ها و شاهنامه فردوسی از جمله کارهای بی‌بدیل این مؤسسه است. در این مقاله برآنیم ضمن اشاره به تاریخچه شاهنامه‌هایی چون شاهنامه بایسنقری و شاهنامه شاه طهماسبی، به معرفی شاهنامه‌ای بپردازیم که در مرکز میکروفیلم نور و توسط هنرمندان آن مرکز، کتابت و تصویرپردازی شده است و از آن به شاهنامه خواجه‌پیری یاد خواهیم کرد.

کلیدواژه‌ها: خواجه‌پیری، شاهنامه بایسنقری، شاهنامه طهماسبی، شاهنامه خواجه‌پیری.

در میان آثار ماندگار مرکز میکروفیلم نور که به همت، مدیریت و ابتکار دکتر مهدی خواجه‌پیری در هند، در عرصهٔ ادب و فرهنگ فارسی تبلور یافته، شاهنامه‌ای هست که در زیر بدان اشاره خواهد شد و کاری است بس سترگ، چشمگیر، چشم‌نواز و شاخص. دکتر خواجه‌پیری به‌واقع تخت و بخت را با هم دارد. او، که افزون بر ۴۰ سال پیش پا به سرزمین پررمز و راز هند گذاشته، تا به امروز دغدغه‌ای جز جمع‌آوری آثار دیرینهٔ فرهنگ ایرانی-اسلامی، از نسخ خطی، اسناد، شجره‌نامه‌ها و قرآن‌های نفیس گرفته تا قلمدان، سپر، شمشیر ایرانی و اشیای منبت‌کاری‌شده نداشته است. در این میان خلایقیت او همراه با عرق مذهبی و فرهنگی که نشئت‌گرفته از مبانی اعتقادی عمیق و علاقهٔ وی به فرهنگ ایرانی-اسلامی است او را بر آن داشته که در ایالت‌ها و ولایت‌های سرزمین هند، از شهری به شهری و از کوبی به کوبی، در جست‌وجوی آثاری باشد که نشان‌دهندهٔ میراث فرهنگی ایران است. امروزه مرکز میکروفیلم نور به سازمانی تبدیل شده است که بالاتر از هر سازمان فرهنگی عملکردی تحسین‌برانگیز دارد. فعالیت مرکز میکروفیلم نور تنها به جمع‌آوری نسخه‌های خطی و اشیایی که گفته شد ختم نمی‌شود؛ ابتکار دکتر خواجه‌پیری در سازندگی و در پی آن بالندگی مؤسسه‌ای است که به جرئت می‌توان گفت کم‌تر سازمانی را می‌توان یافت که تنه به تنهٔ آن بزند. علاوه بر گردآوری نسخ خطی و اشیایی که بیان شد، چاپ نسخه‌های منحصربه‌فرد و اسناد تاریخی با کاغذ دست‌ساز از نتایج تلاش‌های بی‌وقفهٔ این مؤسسه است. علاوه بر این دشواری پرورش افراد متخصص در زمینه‌های مختلف چون صحافی، نگارگری، خطاطی و... را نباید فراموش کرد.

چرا خواجه‌پیری دست به این کارها می‌زند؟ چگونه خود را وقف کارهایی می‌کند که دیگر مؤسسات داخلی با سازمانی عربیض و طویل و بودجه‌های کلان از عهده‌اش برنمی‌آیند؟ به نظر نگارندهٔ این سطور، برای این اقدامات دلیلی جز عشق به کهن‌سرزمین ایران اسلامی و میراث گران‌بهای آن نمی‌توان یافت و در این میان شاهنامهٔ فردوسی، که عصارهٔ فرهنگ ناب ایران است و از روزگاران دیرین تا به امروز مورد توجه امرا و سلاطین و حاکمان وقت بوده، درخور توجه است. امروزه ده‌ها نسخه از شاهنامه را به‌صورت خطی و با دست‌نوشته‌ها و نگاره‌های متفاوت می‌شناسیم. نسخه‌پردازی‌های خطی، چاپ‌های سنگی با تصاویر برجسته و اهتمام اندیشمندان در احیای این میراث کهن فارسی نشان می‌دهد که شاهنامه در ایجاد حس مشترک ملی و حفظ زبان فارسی چه نقش مهمی داشته است و چگونه زمینه‌ساز وحدت

فکری در میان ملل مختلف بوده است و نیک می‌دانیم که در دربار حاکمانی چون کیقباد سلجوقی، سلطان سلیمان عثمانی، عمر شیخ میرزا پدر بابرشاه گورکانی، اکبرشاه و دیگران شاهنامه‌خوانی رایج بوده است. عظمت علمی و ادبی شاهنامه را زمانی درمی‌یابیم که تحقیقی هرچند اندک در محتوای اشعار فردوسی از منظر مفاهیم اخلاقی و انسانی یا از نظر ارزش‌های بلاغی و کاربرد آرایه‌های ادبی انجام دهیم. آن وقت در خواهیم یافت باید به این اثر ادبی که شاهکار فرهنگ ایران اسلامی است توجه ویژه‌ای شود. در این میان نباید از ذکر چند شاهکار بی‌بدیل که در ادوار مختلف خلق شده است غافل شد. از قدیمی‌ترین نسخه‌های خطی شاهنامه می‌توان از نسخه کتابخانه ملی فلورانس (۱۴ق) و نسخه کتابخانه بریتانیا (۷۵ق) یاد کرد و این توجه به مانایی و ماندگاری شاهنامه، نشان می‌دهد که شاهنامه از همان آغاز مورد توجه بوده است. دست‌نویس مصور از شاهنامه که نگارش آن به دستور بایسنقر میرزا، فرزند شاهرخ میرزا، در سال ۸۲۹ق آغاز شد و در پنجم جمادی‌الاول ۸۳۲ق به پایان رسید، یکی از شاهکارهای مکتب هرات است که در ۳۴۶ برگ به خط نستعلیق و در ۲۲ مجلس به قطع سلطانی تهیه شده است. اهمیت این نسخه نه به سبب متن، بلکه به سبب هنر کتاب‌سازی آن است که به کتابت جعفر بایسنقری و مدیریت و نظارت کیفی سلطان محمد و سپس میر مصور و رسامی مولانا علی و امیر جلیل و جلدسازی مولانا قیام‌الدین انجام یافته است.

شاهنامه‌شاه طهماسبی نیز از نفیس‌ترین شاهنامه‌های مصور عهد صفوی است و با ۲۵۸ مجلس در ۷۶۹ برگ به دست هنرمندانی چون میر مصور، آقا میرک، دوست محمد، عبدالعزیز، سلطان محمد، عبدالصمد معروف به شیرین‌قلم، مظفر علی، شیخ علی و دیگران تهیه شده است. شاه اسماعیل صفوی، تهیه این شاهنامه را در سال ۹۲۹ق به نام پسرش، شاه طهماسب، سفارش داد که پس از ۲۲ سال، با صرف هزینه گزاف در سال ۹۵۱ق به پایان رسید. این اثر بی‌همتا از طرف شاه طهماسب به سلطان سلیم سوم هدیه شد و تا سال ۱۸۰۰م در کتابخانه سلطان سلیم سوم بود. در ۱۹۰۲ به مالکیت بارون دو ادموند روچیلد درآمد و در سال ۱۹۵۳م به دست آرتور هوتن رسید. هوتن در ۱۹۷۱م بخشی از شاهنامه را به موزه متروپولیتن نیویورک بخشید. خیلی زود ۵۱ تصویر آن به فروش رسید و در سال ۱۹۸۹م باقی‌مانده شاهنامه به لویدز لندن سپرده شد و در طی دو سال ۱۴ برگ آن فروخته شد. پیشنهاد فروش شاهنامه در سال ۱۳۵۵ از طرف خانواده هوتن به دربار ایران، و قیمت‌گذاری

آن از طرف مرحوم یحیی ذکاء به مبلغ ۱۵ میلیون دلار، و استنکاف شاه ایران از خرید این اثر نفیس جهانی به بهانهٔ نداشتن بودجه داستانی است که شرح آن یک دهان خواهد به پهنای فلک. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی پیشنهاد فروش شاهنامه از طرف خانوادهٔ هوتن دوباره مطرح گردید که پس از مکاتبات متعدد، سرانجام به همت زنده‌یاد دکتر حسن حبیبی در شورای انقلاب فرهنگی مطرح شد و پس از تصویب در هیئت وزیران با تابلوی «زن سوم» از مجموعهٔ «شش زن»، اثر ویلم دکونینگ، نقاش امریکایی هلندی‌تبار، معاوضه گردید و سرانجام در روز جمعه هفتم تیرماه ۱۳۷۳ هواپیمای حامل شاهنامه در فرودگاه مهرآباد به زمین نشست و یکی دو روز بعد شاهنامه به موزهٔ هنرهای معاصر ایران تحویل داده شد. سومین شاهنامه به شاهنامهٔ شاه عباسی معروف است که در ایالت بهوپال دیده شده است. در صفحات متعدد این شاهنامه مهر شاه عباس دیده می‌شود. این شاهنامه از نظر کیفیت و تصویرسازی سطح پایین‌تری دارد و قابل قیاس با دو شاهنامهٔ بایسنقری و طهماسبی نیست.

و اما شاهنامهٔ خواجه‌پیری

می‌دانیم یکی از بزرگ‌ترین رشته‌های روابط میان ایران و هند، زبان و ادبیات فارسی است. قرن‌ها زبان فارسی بر بخش بزرگی از سرزمین هند فرمانروایی داشت. اندیشمندان و اهل ادب هند به زبان فارسی کتاب می‌نوشتند و شعرا به این زبان شعر می‌سرودند و نامه‌ها و مکاتبات دربار شاهان به این زبان بود. با توجه به نزدیکی حماسه‌های ایران و هند، شاهنامهٔ فردوسی از همان ابتدا در سرزمین هند از شهرت و مقبولیت خاصی برخوردار شد. چنان‌که گفتیم شاهنامه‌خوانی در ایران و هند در طول قرن‌ها مورد علاقهٔ مردم و درباریان بوده است و شاهنامه‌های زیادی در خانواده‌های مختلف کتابت شده است و هنرمندان ایرانی و هندی در تهیهٔ شاهنامه‌ها تلاش زیادی کرده‌اند. خطاطان، چهره‌نگاران و تذهیب‌کاران در دربارها و مراکز علمی به شاهنامه به‌عنوان یک حماسهٔ بزرگ توجه کرده‌اند و متعاقب آن صدها شاهنامه به دست هنرمندان ایرانی و هندی کتابت و تذهیب شده است. در این میان ابتکار دکتر خواجه‌پیری در خلق نسخه‌ای دیگر از شاهنامه قابل تحسین است. هنرمندان هندی به مدت پنج سال (۱۳۹۰-۱۳۹۵) در آتلیهٔ مرکز میکروفیلم نور گرد هم جمع شدند و شاهنامه‌ای را در ابعاد ۶۰ × ۷۷ سانتی‌متر و به وزن ۲۰ کیلوگرم،

در ۴۷۰ صفحه همراه با ۴۴ تصویر خلق کردند. تصاویر این اثر براساس مینیاتورهای شاهنامه‌بایسنقری و شاهنامه‌های دوره صفوی ترسیم شده و تلفیقی است از هنر اسلامی و هندی با جان‌مایه‌ای از هنر ایرانی در ادوار مختلف. مدیریت گروه هنرمندان نگارگر را وینود کومارشرما به عهده داشته و تصویرها در شهرهای جیبور توسط هنرمندان جیبوری تهیه شده است. در این شاهنامه تذهیب‌های تمامی برگ‌ها با هم متفاوت است. کار تذهیب صفحات به سرپرستی استاد ممتاز علی تونکی، هنرمند و تذهیب‌کار و از خاندان صاحب‌زادگان شهر تونک در ایالت راجستان هند، صورت گرفته است.

برای این اثر، متن شاهنامه‌امیر بهادری در نظر گرفته شده و آغاز و انجام آن مطابق با همین شاهنامه است.

کاتب آن مولوی شمیم احمد بیجنوری حنفی، خطاط، حافظ قرآن و امام جماعت یکی از مساجد محلات دهلی است که در سال ۱۳۵۰ در بیجنور در ایالت اتر پردیش متولد شد و خطاطی را از پدرش، که به شغل کشاورزی مشغول بود، آموخت و از سال ۱۳۷۵ به مرکز میکروفیلم نور پیوست و تا کنون هفت قرآن و سه نهج البلاغه و چهار صحیفه سجادیه را علاوه بر شاهنامه کتابت کرده و اکثر کارهای هنری وی به کتابخانه آستان قدس رضوی تقدیم گردیده است.

برای خلق این شاهنامه از بهترین کاغذ دست‌ساز که زیر نظر متخصصان مرکز میکروفیلم نور در شهر هاپور (در ۵۰ کیلومتری شهر دهلی) در کارخانه پرمود گرگ تولید شده و از کاغذهای ساخت کارخانه‌ذاکر حسین جیبور در محله کاغذسازان، استفاده شده است. جلدی که برای این شاهنامه تهیه شده، جلد تمام‌چرم ضربی است که توسط استاد محمد رضوان سنبهلی و گروه همکاران وی در مرکز میکروفیلم نور آماده شده و دارای دو سرلوح زرین و مزدوج است.

این شاهنامه وزین دارای جعبه‌ای تمام‌عاج با گل و بوته‌هاست که به اشعاری از دیوان سلمان ساوجی مزین گردیده و سرپرستی این اثر هنری نفیس را آقای جاوید، رئیس و مدیر کارگاه و نمایشگاه مغول آرت، و گروهی از هنرمندان این مجموعه در دهلی به عهده داشته‌اند.

نسخه‌پردازی و جدول‌بندی و حاشیه‌سازی و تصویرسازی با نظارت عالی دکتر خواجه‌پیری بوده است.

فرجام سخن اینکه این اثر یکی از بزرگ‌ترین شاهنامه‌های مصور جهان و یکی شاهکارهای

عصر معاصر است که با نظارت مستقیم دکتر خواجه‌پیری و هنرنمایی هنرمندان نام‌برده تهیه شده است.

در تاریخ ۱۹ فوریهٔ ۲۰۲۰، در نمایشگاهی که با عنوان «شاهنامهٔ فردوسی و هویت ایرانی» در مرکز بین‌المللی هند، دهلی‌نو، توسط مرکز بین‌المللی میکروفیلم نور با همکاری بنیاد پارزور سفارت جمهوری اسلامی ایران، به مناسبت هفتادمین سال روابط دیپلماتیک، تاریخی و فرهنگی هند و ایران برگزار شد، این اثر سترگ به نمایش گذاشته شد که مورد تحسین بازدیدکنندگان قرار گرفت.

بی‌شک این ادای احترام دکتر خواجه‌پیری به یکی از آثار ماندگار ادب فارسی همچون سایر اقداماتش ستودنی است.

مشخصات شاهنامهٔ خواجه‌پیری در یک نگاه

مشخصات نسخه	
اندازه: ۶۰ سانتی‌متر عرض - ۷۰ سانتی‌متر طول	کاغذ: دست‌ساز
وزن نسخه: ۲۰ کیلوگرم	وزن جعبه: ۲۰ کیلوگرم
مدت نگارش: ۵ سال - از سال ۱۳۹۰ تا سال ۱۳۹۵	متن: ۸ ستونی
جعبه: عاج فیل دارای گل و بوتهٔ کنده‌کاری‌شده و مزین به اشعاری از سلمان ساوجی	نوع خط: نستعلیق
تذهیب: تمامی اوراق دارای تذهیب‌های متفاوت	متن: براساس نسخهٔ شاهنامهٔ امیربهداری
سرلوح‌ها: دارای دو سرلوح زرین و مزدوج	

در ضمن، معرفی شاهنامه به زبان انگلیسی به دست سرکارخانم مهدیه خواجه‌پیری نوشته شده است که به ضمیمهٔ همین مقاله درج می‌شود.

منابع

- امامی، کریم، «داستان بازگرداندن شاهنامهٔ شاه طهماسبی»، کلک، ش ۵۸-۵۹، دی و بهمن ۱۳۷۳.
- حبیبی، حسن، «شاهنامهٔ طهماسبی و هفت‌خوان آن»، یادنامهٔ دکتر حسن حبیبی، زیر نظر غلامعلی حدادعادل، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۹۵.
- خالقی مطلق، جلال (۱)، «شاهنامهٔ بایسنغری»، فردوسی و شاهنامه‌سرایی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۹۰.
- _____ (۲)، «شاهنامهٔ شاه طهماسبی»، فردوسی و شاهنامه‌سرایی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۹۰.

The Shahnameh of Ferdowsi and Iranian Identity

Mahdiyeh Khaje Piri

The deep cultural relationships between the two nations of Iran & India date back thousands of years. The nations of Iran & India have always had a vast amount of ethical and spiritual affiliations which are clearly reflected in different forms of arts and culture, including poetry, music, and various sciences. The depth & significance of these connections and the dimensions of these relationships are so profound that even the existing political and social mishaps have not been able to undermine and damage the cultural links between the people of these great nations.

Based on the historical evidence from Iran & India, these two nations had deep relationships even before the entry and formation of the Aryan Tribes' civilization. In the Post-Islamic Era, the common cultural relationships between Iran & India became so intimate that many Iranian scholars, artists, and craftsmen emigrated to India and helped make the civilization of the great India one of the greatest civilizations in the world at that time. Historic monuments such as the Taj Mahal & the palaces & mansions of the shared Iranian-Indian civilization such as the Red Castle, palaces & thousands of examples of art, indicate the depth of the relationship between these two nations.

One of the greatest and deepest fields of common relations between Iran & India is language and literature. The Persian (Farsi) language dominated over much of the Indian land and over the hearts of its people for over seven hundred years. Scholars wrote books in Persian; poets wrote poems in this language and the letters & correspondence of the kings were in this language. According to the fact that the epics and fables of Iran & India were close, the literary and epic connection between the two nations was reinforced.

Among the many Iranian poets who influenced the literature and culture of the Indian subcontinent and gained outspoken fame, Hakim Abol-Ghasem Ferdowsi is at the forefront of the list. The main reason behind this claim is the hundreds of manuscripts and printed versions of the *Shahnameh* in India. Reciting the *Shahnameh* has been a favorable activity amongst the Iranians & Indians for centuries and many handwritten versions have been written in various families. Iranian & Indian artists have made great efforts in way of producing *Shahnameh* books. Calligraphers, portraitists and gilders of courts and scientific centers focused on *Shahnameh* as a significant epic and hundreds of *Shahnameh* books have been written & gilded by Iranian & Indian artists.

Following the work of the artists from these two nations, the International Noor Microfilm Center has decided to publish a new *Shahnameh* with authentic gildings and miniatures. This *Shahnameh* was completed in the 70th year of the political and cultural relationships between Iran & India in way of showing the depth of the bilateral relations between the two nations despite the change of languages.

Along with the writing and illustration of the world's largest handwritten contemporary *Shahnameh* featuring 44 miniature illustrations and 388 pages of different gildings, the International Noor Microfilm Center has made further efforts in way of reviving the works of great poets such as *Haft Awrang* of Abd-Al Rahman Jami and *Khamsa* of Nizami Ganjavi, as well as the contemporary famous Iranian artist Mahmoud Farshchian by the hand of Indian painters.













